

رابطه خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

مهین کریمی^{*}، کیومرث فرحبخش

چکیده

مقدمه: هدف این پژوهش بررسی رابطه خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی استان اصفهان بوده است.

روش‌ها: نمونه مورد پژوهش ۳۱۳ نفر از دانشجویان را شامل می‌شد که به طور تصادفی از بین آمار دانشجویان در دسترس ترم‌های ۸ تا ۲ هفت دانشکده انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه شامل سه پرسشنامه از جمله پرسشنامه خودتنظیمی عاطفی جهت خودتنظیمی عاطفی و پرسشنامه راهبردهای مطالعه و یادگیری **وین استاین** جهت مهارت‌های مطالعه و از پرسشنامه عملکرد تحصیلی و معدل برای عملکرد تحصیلی استفاده شد.

نتایج: نتایج نشان داد خود تنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی رابطه دارد. متغیر خود تنظیمی عاطفی با $0/365$ درصد بیشترین سهم را در تبیین میزان عملکرد تحصیلی دارد. بین مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد نتایج نشان داد خرده مقیاس‌های متغیرهای مستقل می‌توان $53/8$ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین نماید. همچنین بین مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی با معدل دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد با استفاده از واریانس ترکیب خطی خرده مقیاس‌های متغیرهای مستقل می‌توان $45/2$ درصد از واریانس معدل کل را توضیح داد.

نتیجه‌گیری: ضرورت دارد که به منظور ارتقای همه جانبه دانشجویان، آموزش‌هایی برای یاددهی راهبردهای خودتنظیمی صورت داده شود. توجه و برنامه‌ریزی درجهت بهبود مهارت‌های مطالعه و افزایش خودتنظیمی عاطفی دانشجویان امری ضروری است.

واژه‌های کلیدی: خودتنظیمی عاطفی، مهارت‌های مطالعه، عملکرد تحصیلی

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت/ اسفند ۱۳۹۰؛ ۱۱(۹): ۱۱۴۹ تا ۱۱۶۱

مقدمه

آدمی در طول زمان برای نظم بخشیدن به حالات روانی و رفتاری خود راهبردهای زیادی را مورد استفاده قرار داده‌اند. بعد جسمانی انسان مجهز به تعادل حیاتی است و

می‌تواند به خودی خود وضعیت متعادل جسم را از نظر مقدار مایعات، مواد مورد نیاز و درجه حرارت بدن تنظیم کند اما گاهی عملکرد این سیستم بنا به دلایل مختلف به هم خورده و نیازمند مداخله بیرونی در قالب درمان‌های پزشکی می‌شود. مثلاً برای تنظیم قند خون نیاز به تزریق انسولین پیدا می‌کند. سیستم روانی انسان نیز مشابه همین وضعیت را داراست. هم چنان که سال‌ها پیش فروید مکانیسم‌های دفاعی را برای حفظ تعادل روانی معرفی کرد، ولی در کنار آن انسان‌ها به شکل آگاهانه

* نویسنده مسئول: مهین کریمی، کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. karimi_20_m@yahoo.com
دکتر کیومرث فرحبخش (استادیار)، دکتری مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. kiiumars@yahoo.com
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱۳، تاریخ اصلاحیه: ۹۰/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۰

روش‌هایی را به منظور تنظیم وضعیت عاطفی و رفتاری خود به کار می‌گیرند. مثلاً از آن جا که انسان‌ها بسیار مایلند تا عواطف مثبت، خوشی و لذت را بیشتر از عواطف منفی داشته باشند اقداماتی را جهت رسیدن به این منظور انجام می‌دهند. این اقدامات گاهی جنبه شناختی غالب داشته و گاهی جنبه رفتاری آن غلبه می‌یابد و زمانی نیز تغییر وضعیت ویژگی بارز آن می‌شود، انسان بعضی از این روش‌ها را از طریق تجربه شخصی و به صورت آزمایش و خطا و بعضی دیگر را از طریق آموزش والدین، دیگران، کتاب‌ها و نوشته‌ها فرا می‌گیرد. هرچند که تحقیقات نشان می‌دهد خلق و خوی آدمی نیز در انتخاب نوع راهبردها می‌توانند تا حدودی مؤثر باشند. اما نگاهی گذرا به بسیاری از رفتارهای افراد نشان می‌دهد که عامل مهم در تعیین رفتارهای سلامت زا و رفتارهای پر خطر همانا راهبردهای مورد استفاده آن‌هاست (۲و۱). تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که موفقیت افراد در زندگی تا اندازه زیادی به نوع راهبردهای اکتسابی مورد استفاده آنان مربوط می‌شود (۳و۴).

درده‌های اخیر یادگیری خودتنظیمی به عنوان یک عامل مؤثر در موفقیت و پیشرفت تحصیلی مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های زیادی را به سوی خودجلب کرده است. افزایش حجم تحقیقات بر این نظر تأکید می‌کند که خودتنظیمی مؤثر وابسته به شکل‌گیری ویژگی‌هایی است که این مسأله خود باعث افزایش احساس قابلیت‌ها و هدایت انگیزه به سوی یادگیری است. در طی دو دهه اخیر کارشناسان تعلیم و تربیت به مقوله‌های شناخت و یادگیری توجه بیشتری کرده‌اند. یکی از نظریه‌هایی که این پژوهشگران در قالب آن، به مطالعه می‌پردازند، نظریه یادگیری خودتنظیمی است، چارچوب اصلی این نظریه بر این اساس استوار است که دانش‌آموزان چگونه از نظر روان شناختی، انگیزشی و رفتاری، یادگیری خود را سامان می‌بخشند (۵). یادگیرندگان در هنگام روبرو شدن با انواع تکالیف یادگیری از راهبردهای مشخصی برای

یادگیری استفاده می‌کنند. راهبردهای مطالعه شامل افکار و رفتارهای نهان و آشکاری است که با موفقیت در یادگیری مرتبط هستند. فراگیران هر کشوری از سرمایه‌های فکری و معنوی آن کشور به شمار می‌روند. بررسی مسائل اصلی دانشجویان، تحصیل موفق و تأمین سلامت جسمی و روانی آنها از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزان آموزشی و دولت‌ها است. بررسی موفقیت و عملکرد تحصیلی دانشجویان یکی از جنبه‌های مورد مطالعه برای بررسی کیفیت و ارزیابی در آموزش عالی است (۶).

ارزیابی راهبردهای خود تنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی دانشجویان از گام‌های مهم برنامه‌ریزی صحیح و از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به توسعه دانشگاهی و رفع نواقص، تنگناها و نارسایی‌ها است (۷).

شناخت و عاطفه به عنوان دو مؤلفه اساسی یادگیری همواره از طرف روان شناسان تربیتی و مربیان مورد تأکید قرار گرفته است. شناخت در برگیرنده پاره‌ای از توانایی‌ها و اعمال ذهنی از قبیل دانش، درک کردن، تشخیص دادن، تفکر، قضاوت و استدلال است. عاطفه بیشتر با مسائلی از قبیل انگیزش، هیجان، نگرش، ارزش‌گذاری و نظایر این‌ها در ارتباط است (۲).

خودتنظیمی شناختی و رفتاری یک جنبه مهم از یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز در محیط کلاس است. تعاریف مختلفی در مورد یادگیری خود نظم یافته وجود دارد. اما سه مؤلفه برای عملکرد کلاسی مهم به نظر می‌رسد، اول این که یادگیری خود نظم یافته، راهبردهای فراشناختی را در بر می‌گیرد که دانش‌آموزان برای طراحی، بازبینی و اصلاح شناخت خود به کار می‌برند. اداره تکالیف تحصیلی توسط دانشجویان و کنترل تلاش‌هایشان در زمینه این تکلیف مؤلفه مهم دیگری در این زمینه است. مثلاً دانشجویان توانمندی که در یک

تکلیف مشکل ثابت قدم هستند و عوامل حواس پرت‌کننده‌ای مثل سر و صدای همکلاسی‌ها را نادیده می‌گیرند، درگیری شناختی خود را در تکالیف حفظ می‌کنند. از این رو قادر به عملکرد بهتر در آن تکلیف هستند. موفقیت در دانشگاه ممکن است به استفاده از راهبردهای مناسب بستگی داشته باشد(۶).

دانشجویان پرتوان ممکن است راهبردهای مؤثری را که با کارهای تحصیلی شان تناسب دارد شناسند و از لحاظ درسی دچار شکست شوند، یا امکان دارد به این علت دچار شکست شوند که به راهبردهای نامناسب و ناکافی تکیه می‌کنند و یا در استفاده از راهبردها ناتوانند. از طرف دیگر دانشجویان کم توان ممکن است از لحاظ درسی موفق باشند، زیرا یاد گرفته‌اند از راهبردهای شناختی استفاده کنند و با ترکیب آنها نقایص یادگیری خود را به حداقل برسانند(۸). به اعتقاد بسیاری از محققان نظیر شانک زیمرمن و بوکارتز مطالعه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، مستلزم در نظر گرفته در هم تنیده راهبردهای مطالعه و یادگیری است. مطالعات انجام شده در زمینه ارتباط راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی حاکی از آن است که استفاده از راهبردهای یادگیری خود تنظیمی، سهم قابل ملاحظه‌ای در عملکرد تحصیلی دانشجویان دارد. یکی از مشکلات هر نظام آموزشی، مسأله عدم پیشرفت تحصیلی است(۸). مطالعات انجام شده در جهان ارتباط مثبتی را بین موفقیت تحصیلی و برخی از راهبردهای مطالعه مورد استفاده دانشجویان نشان داده‌اند بررسی این راهبردها، موفقیت دانشجویان را از طریق تعیین نقاط قوت و ضعف مطالعه و تأمین مداخلات مناسب ارتقا می‌بخشد(۹). فراگیر، انسانی با ویژگی‌های منحصر به فرد است که معلم بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های جسمی، عاطفی، ذهنی و اجتماعی وی قادر نخواهد بود که در امر یادگیری او مداخله نماید. انسان موجودی است با ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و اخلاقی که در بعد روانی او عواطف

جایگاه به سزایی دارند و عواطف افراد گاهی دچار اختلال می‌شوند که در روان شناسی با عنوان اختلالات خلقی شناخته می‌شوند. انسان‌ها همیشه عواطف مثبت را بر عواطف منفی ترجیح می‌دهند و در طول زندگی خود همواره تلاش می‌کنند که احساسات مثبت را ایجاد کنند یا میزان این احساسات را افزایش و یا تداوم بخشند. همچنین برای کاهش عواطف منفی نیز می‌کوشند. از فاکتورهایی که بر عملکرد تحصیلی افراد مؤثر است مهارت‌های مطالعه‌ای و عامل عاطفی آنها است تا آن جا که تحقیقات نشان داده است که دانشجویانی که اضطراب بالایی داشته و از خود انتظارات پایین داشتند در مقایسه با دانشجویانی که میزان اضطراب در آنها کمتر بود و انتظارات بالاتری از خود داشتند، عملکرد تحصیلی بهتری داشتند(۱۰). شکست تحصیلی یکی از عواملی است که موجب کاهش کارآیی نظام‌های آموزشی از جمله در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی شده و شامل تکرار دوره‌ها، واحدها یا ترک زود رس محل تحصیل است. مطالعات نشان می‌دهد که عوامل زیادی می‌تواند در شکست تحصیلی دانشجویان مؤثر باشد براساس آمارهای منتشر شده از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شاخص افت تحصیلی در سال ۱۳۸۶ (۲۳ درصد) و در سال ۱۳۷۴ (۲۸ درصد) بوده است. این میزان یعنی حدود ۱/۳ دانشجویان دانشگاه‌ها در معرض افت تحصیلی بررسی این که چه عوامل سبب می‌شود که حدود ۳۰ درصد دانشجویان سیر طبیعی رشد علمی شان را طی نکنند ضروری می‌نماید نتایج پژوهش‌های جامعه شناسی از پدیده شکست تحصیل به عنوان یک مشکل اجتماعی نام برده و به دنبال راه حل جمعی برای آن می‌باشند در این رابطه شانک گفته است هنگامی که یادگیرنده شکست می‌خورد نه تنها خود او بلکه، معلم، والدین، نهاد آموزشی و بالاخره اجتماع نیز شکست می‌خورند(۶). تحقیق نیکسون و فراست رابطه معدل و عادات مطالعه را تأیید کرده است. آنان ضریب همبستگی معادل ۰۶۶ درصد

را بین معدل نمرات و عادات مطالعه دانشجویان گزارش کرده‌اند (۶). ($p < 0.001$).

کارور نشان داد که عواطف انسان‌ها محصول مقایسه درون داده‌های ذهنی مربوط به عملکرد با استانداردهای از قبل تعیین شده است، اگر درون داده‌ها بالاتر از استانداردها باشند، موجب پیدایش عواطف مثبت خواهند شد و در صورتی که عملکرد فرد در حد استاندارد باشد، حالت خنثی ایجاد خواهد شد (۱۱).

پینتریچ ودی گروت در پژوهشی رابطه مؤلفه‌های انگیزش و یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی در کلاس‌های علوم زبان انگلیسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که میان دختران و پسران در زمینه استفاده از راهبردهای شناختی و خودتنظیمی و ارزش‌گذاری درونی تفاوت وجود نداشت. پسران به طور معنادارتری نسبت به دختران کارآمدتر بودند و اضطراب امتحان کمتری داشتند. همچنین اضطراب امتحان با راهبردهای شناختی ارتباط نداشت ولی با خودتنظیمی به طور معناداری دارای بستگی منفی بود. خودکارآمدی و ارزش‌گذاری درونی با خودتنظیمی همبستگی مثبت و معناداری داشتند و نتایج رگرسیون نشان داد که خودتنظیمی اضطراب امتحان و خودکارآمدی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های عملکرد تحصیلی هستند (۶).

راس و گو آوینو و رید و مارشال در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین فهم دانش‌آموز از متنی که مورد مطالعه قرار می‌دهد و پیچیدگی امتحان و تکنیک‌های خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی پرداختند. این مطالعه نشان داد که فهم پیچیدگی آموزش درس و امتحان رابطه مثبتی با تکنیک‌های خودتنظیمی دارد و این راهبردهای خودتنظیمی ارتباط مضاعفی با عملکرد دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزانی که از راهبردهای خودتنظیمی بیشتری استفاده کرده‌اند عملکرد تحصیلی بالاتری دارند (۶).

تحقیقاتی که درباره علل عدم پیشرفت دانش‌آموزان در

تحصیل در سطح کشور انجام گرفته، یکی از مهم‌ترین علت‌ها را نداشتن مهارت‌های تحصیلی از قبیل عدم مدیریت زمان یا برنامه‌ریزی درسی، مناسب نبودن شیوه‌های مطالعه، عدم استفاده از روش‌های صحیح یادداشت برداری و خلاصه‌نویسی ذکر شده است (۷).

خدیوزاده نتیجه گرفتند نمرات دانشجویان در نگرش معادل صدک ۲۰، در انگیزش معادل صدک ۱۵ و در سایر راهبردها بین صدک ۴۰ تا ۸۰ نمرات جدول آمریکا بود (۱۲). کجیاف و همکاران در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی نشان دادند که خودتنظیمی، خودکارآمدی و اضطراب امتحان، بهترین پیش‌بینی‌کنندگان عملکرد تحصیلی هستند. همچنین نتایج نشان داد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر در زمینه اضطراب امتحان تفاوت معناداری وجود دارد. خدیو زاده و همکاران تحقیقی با عنوان راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و ارتباط آن با ویژگی‌های فردی و سوابق تحصیلی آنها انجام دادند. نمرات دانشجویان مورد مطالعه در راهبردهای آزمون معادل صدک ۸۰ و در کنترل اضطراب و تمرکز معادل صدک ۷۵ و در فعالیت‌های انگیزشی معادل صدک ۱۵ نمونه هنجاری دانشجویان آمریکا بود. عرفانی به منظور بررسی رابطه مهارت‌های مطالعه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دریافت که میانگین نمره مهارت‌های مطالعه دانشجویان ۳۹/۷۷ است و همبستگی بین این دو متغیر وجود دارد (۱۲). هاشمی تحقیقی با عنوان مقایسه میزان به کارگیری مهارت‌های مطالعه و یادگیری توسط دانشجویان موفق و ناموفق انجام داد. بر اساس نتایج تحقیق مشخص شد که در بین دانشجویان موفق و ناموفق در استفاده از مهارت‌ها تفاوت معنادار وجود دارد (۶). به عبارت دیگر میزان به کارگیری مهارت‌های مطالعه و یادگیری در بین دانشجویان موفق، به طور متوسط بیشتر است.

فریدونی مقدم و چراغیان از تحقیقی با عنوان عادت‌های مطالعه و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی در دانشجویان نتیجه گرفتند وضعیت عادت‌های مطالعه دانشجویان مورد مطالعه در حد متوسط بود و می‌توان گفت که شیوه مطالعه آنها از کیفیت مطلوبی برخوردار نبود (۶). همچنین بر اساس مطالعه‌ای در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مهارت‌های فکری و راهبردهای ذهنی که دانشجویان در مطالعه و یادگیری از آن استفاده می‌کنند قابل آموزش و یادگیری هستند (۱۳). جوادی و همکاران تحقیق با عنوان رابطه بین آگاهی فراشناختی از راهبردهای مطالعه و وضعیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام دادند. نتایج نشان داد نمره آگاهی فراشناختی ارتباط معناداری با نمره وضعیت تحصیلی دانشجویان داشت و گروه دارای معدل تحصیلی ۱۷ به بالا به طور معناداری از آگاهی فراشناختی بالاتری برخوردار بودند (۶).

باقری و یوسفی تحقیقی با عنوان سخت رویی باورهای خودکارآمد و راهبردهای خودتنظیمی عاطفی در دانش‌آموزان دختر انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که دو گروه سخت رو غیرسخت رو و دو گروه خودکارآمد و غیر خودکارآمد در استفاده از راهبردهای خودتنظیمی عاطفی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند (۶).

پنیرچی و دی گروت نشان دادند که میزان احساس خودکفایتی در پسران بیش از دختران است. همچنین این نتایج از این واقعیت حکایت می‌کرد که هر قدر دانش‌آموزان برای یادگیری با انگیزه‌تر باشند، از راهبردهای شناختی بیشتری استفاده می‌کنند (۸).

ایرس و همکاران در مطالعه‌ای، مهارت‌های مطالعه و یادگیری دانشجویان، پس از ارائه یک دوره آموزش برای موفقیت تحصیلی، نسبت به قبل بهبود چشم‌گیری نشان داد (۱۴).

در هنگ کنگ، تفاوت‌های واضحی را بین راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویانی که از موفقیت تحصیلی

بالاتری برخوردار بودند در مقایسه با سایر دانشجویان نشان داده‌اند. در این مطالعه، نگرش و انگیزش دو عامل مهمی بود که دانشجویان موفق را از دانشجویان ناموفق متمایز می‌ساخت. تفاوت آشکاری بین دانشجویان قوی و ضعیف از لحاظ استفاده از شیوه‌های استراتژیک خواندن وجود دارد و نتیجه‌گیری شده که با انجام مداخلات آموزشی می‌توان راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان را تغییر داده و بهبود بخشید (۱۵). کلومپ در پژوهشی به منظور بررسی فرایند یادگیری دانشجویان نتیجه گرفته است که تغییرات سبک یادگیری دانشجویان، میزان یادگیری آنها را بهبود می‌بخشد. وی در این پژوهش شیوه‌های یادگیری مؤثر را به دانشجویان آموزش داد. نتایج به دست آمده نشان داد که میان آموزش شیوه‌های یادگیری مؤثر همانند پردازش عمیق یا بسط و گسترش اطلاعات با پیشرفت تحصیلی و معدل دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. کامکار همبستگی مثبت و معناداری بین معدل دانشگاه با شیوه‌های یادگیری یافت. در پژوهش کرمی و همکاران همبستگی بالایی معناداری بین راهبردها و معدل وجود دارد. بحرانی همبستگی معناداری بین مهارت مطالعه و معدل یافت (۶).

در پژوهش گادزلا و بالگو نیز نتایج مشابهی دیده می‌شود. آنان دریافتند که ارائه بازخورد به دانشجویان در مورد میزان یادگیری و نیز آموزش شیوه‌های مطالعه به آنان، عملکرد تحصیلی آنها را افزایش می‌دهد (۱۶).

بون و وایت در تحقیقی نقش خودتنظیمی عاطفی راجهت یادگیری زبان دوم به کار برده و نتایج معناداری به دست آوردند (۱۷). صالحی در پژوهشی با عنوان بررسی و مقایسه راهبردهای خودتنظیمی عاطفی در بین دانشجویان مبتلا به اختلالات اضطراب و افسردگی با دانشجویان عادی شهر اصفهان دریافت بین راهبردهای عاطفی دانشجویان مبتلا به اختلالات افسردگی و دانشجویان عادی در تفاوت معناداری وجود دارد (۷). عوامل عاطفی و هیجانی نیز بر پیشرفت تحصیلی مؤثرند

برای مثال دوال نشان داد دانشجویانی که اضطراب بالا داشتند و از خود انتظارات پایینی داشتند در مقایسه با دانشجویانی که میزان اضطراب در آنها کمتر بود و انتظارات بالاتری از خود داشتند عملکرد تحصیلی بهتری داشتند (۱۸). ویلیامز به بررسی رابطه دو جزء شناختی و فیزیولوژیکی اضطراب با عملکرد تحصیلی پرداخت. جزء شناختی اضطراب ارتباط معکوس معنادار و قوی‌تری با عملکرد تحصیلی داشت. یعنی هر قدر نگرانی دانش‌آموزان نسبت به عملکرد خود در آزمون بیشتر بود نتایج ضعیف‌تری در آزمون به دست می‌آمد. وضعیت عاطفی و هیجانی به شکل مثبت و منفی، عملکرد تحصیلی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۰).

پژوهشگر معتقد است که تنظیم عاطفه و داشتن مهارت‌های مطالعه مؤثر می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بهبود عملکرد تحصیلی تأثیرگذار باشد. به همین دلیل پژوهشگر بر آن است تا رابطه آنها را کشف نموده تا بتوان از نتایج آن جهت پژوهش‌های درمانی آتی استفاده مؤثری به عمل آید. لذا این پژوهش بر آن است که به بررسی رابطه خودتنظیمی عاطفی و راهبردهای مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان بپردازد.

هدف اصلی این پژوهش تعیین رابطه بین خود تنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی است. همچنین تعیین رابطه مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی و معدل دانشجویان از اهداف پژوهش است.

روش‌ها

این مطالعه از نوع همبستگی است. جامعه مورد نظردانشجویان دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه اصفهان است که در سال‌های دوم تا چهارم تحصیلی سال ۹۰-۸۹ مشغول به تحصیل هستند که تعداد آنها جمعاً ۱۷۰۰ نفر است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی بوده است که ۳۱۳ نفر مورد ارزیابی قرار گرفتند که از این تعداد ۱۲۲ نفر پسر و ۱۶۷ نفر دختر به پرسشنامه‌های ارائه شده پاسخ‌گو بودند. ابزار گردآوری اطلاعات، آزمون راهبردهای خودتنظیمی عاطفی مارس: سوالات این پرسشنامه به وسیله لارسن و پریز مایک طراحی و توسط گرجی ترجمه شده است. این پرسشنامه دارای ۴۴ سوال است که ابعاد شناختی، رفتاری، تغییر موقعیت، تغییر عاطفه، کاهش خلق منفی، افزایش خلق مثبت را شامل می‌شود. آزمون راهبردهای خودتنظیمی عاطفی مارس از نوع آزمون‌های بسته پاسخ ۷ گزینه‌ای است که از هرگز تا همیشه تشکیل و از صفر تا ۶ نمره‌گذاری شده است. روایی آن از نوع محتوایی و اعتبار آن با اجرای این پرسشنامه بر روی ۶۰ نفر با استفاده از روش تصحیف ۰/۷۵ به دست آمد. آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۸۰ محاسبه گردیده است. آلفای کرونباخ پرسشنامه خودتنظیمی عاطفی که توسط محقق گرفته شد ۰/۸۸ است.

آزمون مهارت‌های مطالعه و یادگیری: اطلاعات به وسیله پرسشنامه راهبردهای مطالعه و یادگیری تألیف وین استاین و همکاران جمع‌آوری شد. این پرسشنامه نقاط قوت و ضعف مطالعه و یادگیری دانشجویان را در ده حیطه بررسی می‌کند. پرسشنامه از نوع آزمون‌های گزارش شخصی است و توسط خود دانشجو در یک مقیاس ۵ درجه‌ای درجه‌بندی می‌شود. این پرسشنامه از ۷۷ عبارت تشکیل شده که در مقیاس ۵ نقطه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند. طیف مقیاس هر عبارت از اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند. تا کاملاً در مورد من صدق می‌کند تشکیل شده است. آزمون توسط یوسفی اجرا گردید. ضریب پایایی خرده آزمون پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید. ضرایب حاصله در دامنه ۰/۸۹ تا ۰/۶۶ قرار داشت (۱۹ و ۲۰). آلفای کرونباخ پرسشنامه مهارت‌های مطالعه که توسط پژوهشگر گرفته شده ۰/۸۵ است.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین مهارت‌های مطالعه و خود تنظیمی عاطفی با میزان عملکرد تحصیلی

ضریب مجزورات تصحیح شده	ضریب مجزورات	ضریب تعیین
۰/۲۷۷	۰/۱۸۶	۰/۴۳۱

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، با سطح معناداری $p > ۰/۰۵$ تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، متغیرهای خود تنظیمی عاطفی با $۰/۳۶$ بیشترین تأثیر معناداری بر میزان عملکرد تحصیلی دارد. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان $۰/۲۷$ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را توضیح داد.

فرضیه دوم: بین مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد

جهت بررسی فرضیه شماره ۲، رگرسیون چندگانه تأثیر خرده مقیاس‌های خود تنظیمی عاطفی و مهارت مطالعه بر عملکرد تحصیلی را با استفاده از روش همزمان بررسی شد.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های مهارت‌های مطالعه و خود تنظیمی عاطفی با میزان عملکرد تحصیلی

ضریب مجزورات تصحیح شده	ضریب مجزورات	ضریب تعیین
۰/۵۳۸	۰/۲۹۰	۰/۳۸۲

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد با استفاده از واریانس ترکیب خطی خرده مقیاس‌های متغیرهای مستقل می‌توان $۵۳/۸$ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را توضیح داد. فرضیه سوم: بین مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی با معدل دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. جهت بررسی فرضیه شماره ۳، رگرسیون چندگانه تأثیر خرده مقیاس‌های متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را با استفاده از روش همزمان بررسی شد.

آزمون عملکرد تحصیلی: این آزمون شامل ۴۴ سوال در ۷ حیطه است که توسط درتاج در سال ۱۳۸۳ هنجار یابی شده و محاسبه پایایی آزمون از روش برآورد همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان ضریب پایایی آزمون ($۰/۷۴$) محاسبه شد. برای هر یک از سوالات یک طیف پنج گزینه‌ای از هیچ تا خیلی زیاد در نظر گرفته شده است که نمرات صفر تا چهار است. آلفای کرونباخ پرسشنامه عملکرد تحصیلی گرفته شده توسط محقق ($۰/۷۵$) است. همچنین جهت بررسی عملکرد تحصیلی از نمرات معدل دانشجویان در نیمسال‌های قبل استفاده گردید.

روش اجرای پژوهش: در این پژوهش دو گروه از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی در هفت رشته تحصیلی انتخاب شدند و پس از اجرای پرسشنامه‌های مربوط به خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی به روی دو گروه نتایجی به دست آمد و تفسیر گشت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است. در آمار استنباطی با استفاده از آزمون‌های آماری رگرسیون همزمان و گام به گام و در نهایت به منظور تعیین چگونگی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و با استفاده از ضرایب مسیر، دیاگرام تحلیل مسیر ارائه شده است.

نتایج

فرضیه اول: بین میزان مهارت‌های مطالعه و خود تنظیمی عاطفی با میزان عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد. جهت بررسی فرضیه شماره ۱، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل خود تنظیمی عاطفی و میزان مهارت مطالعه بر متغیر وابسته عملکرد تحصیلی را با استفاده از روش همزمان بررسی شد.

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، ۳ متغیر مستقل تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، متغیرهای خود تنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی بیشترین تأثیر معناداری بر میزان معدل کل دارند. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان ۲۸٪ درصد از واریانس معدل کل را توضیح داد.

تحلیل مسیر، به منظور تعیین چگونگی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده شده است.

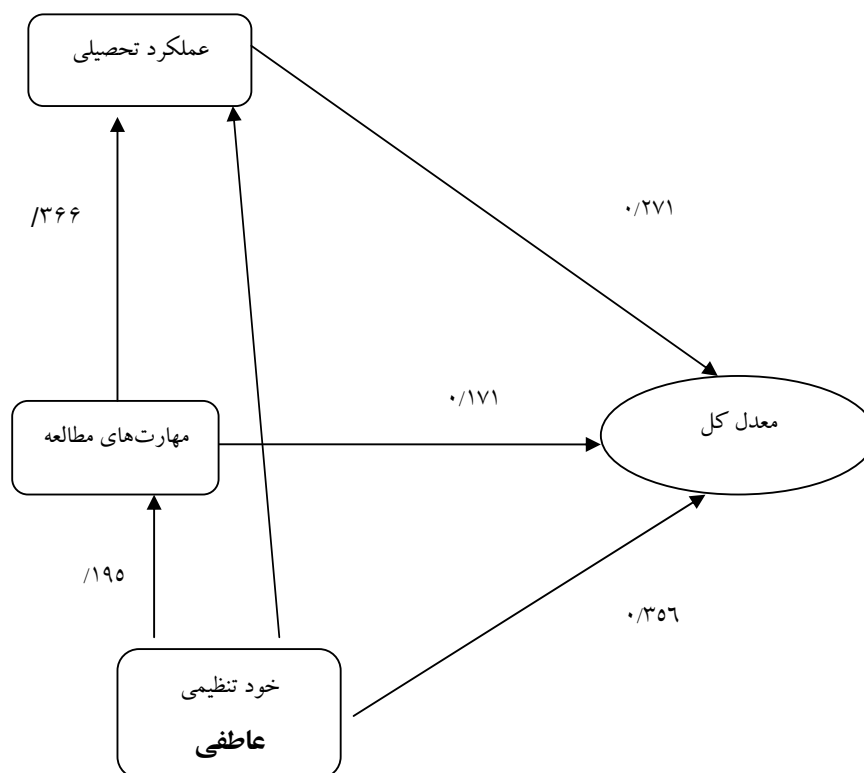
جدول ۳: ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های مهارت‌های مطالعه و خود تنظیمی عاطفی با میزان عملکرد تحصیلی

ضریب مجزورات تصحیح شده	ضریب مجزورات	ضریب تعیین
۰/۴۵۲	۰/۱۷۸	۰/۲۸۲

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد با استفاده از واریانس ترکیب خطی خرده مقیاس‌های متغیرهای مستقل می‌توان ۵۲٪ درصد از واریانس معدل کل را توضیح داد.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های مهارت‌های مطالعه و خود تنظیمی عاطفی و عملکرد تحصیلی با معدل

ضریب مجزورات تصحیح شده	ضریب مجزورات	ضریب تعیین
۰/۳۸۰	۰/۱۷۸	۰/۲۸۲



نمودار ۱: تحلیل مسیر

همان‌طور که در مدل تحلیل مسیر مشاهده می‌شود، خودتنظیمی عاطفی $\beta=0/356$ بیشترین تأثیر را بر معدل کل دارد. عملکرد تحصیلی $\beta=0/271$ دومین متغیر اثرگذار بر است. در بین متغیرهای اثرگذار بر عملکرد تحصیلی، مهارت مطالعه $\beta=0/171$ کمترین تأثیر را داشته است.

بحث

بین میزان خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با میزان عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی جدول ۱ تا ۳ نشان داد از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، با سطح معناداری $p<0/05$ تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، متغیرهای خود تنظیمی عاطفی با $0/36$ بیشترین تأثیر معناداری بر میزان عملکرد تحصیلی دارد. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان $0/27$ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را توضیح داد.

بنابراین این فرضیه که بین میزان مهارت‌های مطالعه و خود تنظیمی عاطفی با میزان عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود که به دلیل کمبود تحقیقات در زمینه موضوع این پژوهش نتایج به دست آمده با تحقیقات نزدیک به آن بررسی می‌شود. در بررسی تحقیقات گذشته در مورد متغیر خودتنظیمی عاطفی این نتیجه حاصل شد که خودتنظیمی عاطفی عاملی تأثیرگذار در زندگی و عملکردهای مختلف آدمی است زیرا در تحقیقات متعدد رابطه خودتنظیمی عاطفی با متغیرهای گوناگون تأیید شده است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بون و وایت همخوان است (۱۷). همچنین با پژوهش باقری و یوسفی و پیرمردیان و صالحی، کارور، کیتایا و هوارد، ویلیامز، داول همخوان است (۷ و ۶). لذا پژوهشگر معتقد است که اگر دانشجویان عاطفه خود را تنظیم کنند (با تأکید بر عاطفه مثبت)، می‌توانند زندگی خود را مدیریت نمایند و می‌توانند به اهداف خود در

زندگی برسند و هم این که پله‌های ترقی را در زندگی تحصیلی خود طی نمایند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش تحقیق مرکز هارولند هند همخوان است و با تحقیقات کجبا، خدیوزاده و همکاران، همخوانی داشته. لذا پژوهشگر معتقد است که آموزش مهارت‌های مطالعه نیز بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان تأثیر ویژه‌ای داشته و یکی از علل عدم پیشرفت در تحصیل نداشتن مهارت‌های مطالعه از قبیل عدم مدیریت زمان یا برنامه‌ریزی درسی و یا مناسب نبودن شیوه‌های مطالعه و عدم استفاده از روش‌های صحیح یادداشت برداری و خلاصه نویسی است. همچنین با نتایج پژوهش تفضیلی و خدیوزاده، ایرس و همکاران، یپ، کلومپ، گادزلا و بالگو، حقانی همخوان است (۱۳ و ۱۶ و ۱۵).

۲- بین مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیونی جدول ۴ تا ۶ نشان می‌دهد بین خرده مقیاس‌های خود تنظیمی عاطفی و میزان مهارت مطالعه با عملکرد تحصیلی با سطح معناداری $P<0/005$ رابطه رگرسیونی وجود دارد. از بین متغیرهای وارد شده در تحلیل رگرسیونی اضطراب، افزایش عواطف منفی و کاهش عواطف منفی معنادار نشده و از سطح معناداری $p<0/05$ هستند.

همچنین با استفاده از واریانس ترکیب خطی خرده مقیاس‌های متغیرهای مستقل می‌توان $53/8$ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را توضیح داد. در نتیجه این فرضیه که بین مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد تأیید می‌گردد. در مورد این فرضیه نیز می‌توان گفت که نتایج کلی تحقیقات پیشین موید این مطلب است که هرکدام از مؤلفه‌های تحقیق با متغیرهای دیگری سنجیده شده و مشخص‌کننده این مطلب هستند که این مؤلفه‌ها می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهند

و با نتایج صالحی، طغیانی، پیرمرادیان، ترابی، یوسفی، درتاج، حسینی نسب همخوانی دارند (۱۰ و ۱۶).

۳- بین مؤلفه‌های خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی با معدل دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

در این پژوهش رابطه بین خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی با معدل دانشجویان بررسی گردید و از نتایج جدول ۷ تا ۹ مشخص گردید که متغیرهای خود تنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی بیشترین تأثیر معناداری را بر میزان معدل کل دارند. در بین متغیرهای تحقیق، خود تنظیمی عاطفی با $0/356$ درصد بیشترین سهم را در تبیین میزان معدل کل دارد. همچنین با استفاده از واریانس ترکیب خطی خرده مقایسه‌های متغیرهای مستقل می‌توان $45/2$ درصد از واریانس معدل کل را توضیح داد. نتایج به دست آمده با پژوهش جوادی و همکاران، پنتریچ و دی گروت، ایمز و آرچر، پیرمرادیان همخوانی دارد (۸ و ۵). همچنین نتایج کلومپ نشان داد که میان آموزش شیوه‌های یادگیری مؤثر همانند پردازش عمیق یا بسط و گسترش اطلاعات با پیشرفت تحصیلی و معدل دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. در پژوهش کرمی و همکاران رابطه بین راهبردهای مطالعه و معدل همبستگی بالای معناداری در سطح یک هزارم ($p > 0/001$) را نشان داد. این یافته‌ها در اغلب تحقیقات مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش گادزلا و ویلیامسون همبستگی بین عادت مطالعه و معدل ضریب تعیین $0/52$ است. نیکسون و فراست، ضریب تعیین $0/46$ را گزارش کرده‌اند. همچنین مورو وادی وستا به نقل از بحرانی و کامکار رابطه معدل و مهارت‌های مطالعه را تأیید کرده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش محقق همخوانی دارد (۱۶ و ۱۷).

در نهایت پژوهشگر معتقد است که با توجه به اهمیت مبحث خودتنظیمی و در این پژوهش خودتنظیمی عاطفی

و اهمیت مهارت‌های مطالعه در عملکرد و پیشرفت تحصیلی و در نهایت تأثیر قطعی که این متغیرها برآینده شغلی و تحصیلی دانشجویان دارند، لذا توجه و برنامه‌ریزی درجهت بهبود مهارت‌های مطالعه و افزایش خودتنظیمی عاطفی دانشجویان امری ضروری است. خاصه این که به عقیده محققان، مهارت‌های مطالعه و خودتنظیمی افراد قابل آموزش و فراگیری هستند و می‌توان در این زمینه گام‌های مختلفی برداشت به طوری که حسینی شهیدی و همکاران، معتقدند با گنجاندن آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه در برنامه آموزش به طور مدون و یا اجباری دانشجویان به گذراندن کارگاه‌های آموزشی در زمینه به کارگیری این مهارت‌ها می‌تواند گام مؤثری باشد. در نهایت این که مفهوم خودتنظیمی هسته اصلی عملکرد فرد در بعد آموزشی و کنترل بر فرایندها و سیستم‌های یادگیری است.

محدودیت‌ها:

- ۱- کمبود پیشینه پژوهشی مخصوصاً درمورد موضوع خودتنظیمی عاطفی
- ۲- به دلیل این که جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند لذا در تعمیم نتایج به سایر افراد باید جنبه احتیاط را رعایت نمود.
- ۳- اگرچه بسیاری از راهبردهای خودتنظیمی افراد در جوامع مختلف همسان است، اما این راهبردها از عوامل دینی و فرهنگی نیز متأثر می‌گردند. لذا راهبردهای مورد ارزیابی در این پژوهش شامل تمامی راهبردهای مورد استفاده جامعه ایران است.

نتیجه‌گیری

ضرورت دارد که به منظور ارتقای همه جانبه دانشجویان، آموزش‌هایی برای یاددهی راهبردهای خودتنظیمی صورت داد. زیرا تنظیم عواطف سبب ایجاد احساس خودکارآمدی در مطالعه و کاهش احساس

قدردانی

این مقاله مربوط به بخشی از پایان‌نامه ارشد مشاوره نویسنده مسئول است که در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه اصفهان انجام گرفته است. در این جا لازم است از آقای دکتر کیومرث فرحبخش و خانم ندا اشرفی و خانم بتول صالحی که مرا در انجام این مطالعه یاری نمودند تشکر به عمل آید.

شکست و جلوگیری از اسناد کلیه شکست‌ها به خود می‌گردد و به دانشجویان کمک می‌کند تا عملکرد تحصیلی مطلوبی در طول تحصیل داشته باشند. همچنین به عوامل زمینه‌ساز ایجاد و ترقی این استراتژی‌ها توجه نمود، باشد که یادگیرندگانی پرورش دهیم که بیشتر بر اساس ارزش‌های درونی شده عمل نمایند؛ اطلاعات جدید را درباره مسأله‌ها تحصیل کنند، فعالانه در جریان یادگیری خویش مشارکت نمایند، و خود را به صورت پویا و منعطف با شرایط گوناگون یادگیری وفق دهند.

منابع

1. Beidel DC, Turner SM. childhood anxiety disorder: a guide to research and treatment. London: Routledge; 2005.
2. Vohs KD, Baumeister RF, Ciarocco NJ. Self-Regulation and Self-Presentation: Regulatory Resource Depletion Impairs Impression Management and Effortful Self-Presentation Depletes Regulatory Resources. *Journal of personality and social psychology*. 2005; 88(4):632-657.
3. Baumeister RF, Vohs KD. *Handbook of self- Regulation: research, theory and applications*. 1st ed. New York. The Guilford press; 2004.
4. Baumeister RF, Alquist JL. Is There A Downside To Good Self-Control? *Self and Identity*. 2009; 8(2-3):115-130.
5. Ames C, Archer J. Achievement Goals in the Classroom: Student Learning Strategies and Motivation Processes. *Journal of Educational Psychology*. 1988 80(3): 260-267.
6. Pirmoradian M. [Amoozeshe bavarhaye angizeshi va rahbordhaye yadgiri khod tanzimi bar amalkarde maharathaye tahsili daneshjooyane dokhtare daneshgah olum pezeshki Esfahan]. [Dissertation]. Tehran: Allameh tabatabai University; 2009. [Persian].
7. Salehi B. [Barrasiye rabeteye rahborde khod tanzimiye atefi dar beyne daneshjuyane mobtala be ekhtelalate ezterabi va afsordegi ba daneshjuyane adie shahre Esfahan]. [Dissertation]. Tehran: Alzahra University; 2005. [Persian].
8. Pintrich PR, de Groot EV. Motivational and self – regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational psychology*. 1990; 82(1): 33-40.
9. Graham S, Rees F. Gender differences in language learning: the question. *Language Learning Journal*. 1995; 11: 18-19.
10. Dortaj F. [Barasiye tasire shabih saziye farayandi va faravardei bar behbude amal karde tahsilie daneshjuyan, sakht va hanjar yabie azmune amalkarde tahsili]. [Dissertation]. Tehran: Allameh tabatabai University; 2002. [Persian].
11. Baumeister RF, Vohs KD, Tice DM. The strength model of self-control. *Current Directions in psychological science*. 2007; 16(6): 351-355.
12. Tafazoli M, Khadivzadeh T. [survey on the study and learning strategies of students of midwifery at Mashad University of medical sciences]. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*. 2002; 9(2): 90-95. [Persian].
13. Haghani F, Khadivzade T. [The Effect of a Learning and Study Skills Workshop on Talented Students' Learning and Study Strategies in Isfahan University of Medical Sciences]. *Iranian Journal of Medical Education*. 2009; 9(1): 31-40. [Persian].
14. Ayers MS, Reder LM. A theoretical review of the misinformation effect: prediction From an activation-based memory model. *Psychonomic Bulletin & Review*. 1998; 5(1): 1- 21.
15. Yip MCW. Differences in Learning and Study Strategies between High and Low Achieving University

- Students: A Hong Kong Study. *Educational psychology*. 2007; 27(5): 597-606.
16. Gadzella BM, Williamson JD. Study Skills, Self-Concept and Academic Achievement for High School Students. *psychological Reports*. 1984; 54(3): 923-929.
 17. Bown J. White c. Affect in a self-regulatory framework for language learning. *System*. 2010; 38(3): 432-443.
 18. DeWall CN, Baumeister RF, Stillman TF, Gailliot MT. Violence restrained: Effects of self-regulatory capacity and its depletion on aggression. *Journal of Experimental social psychology*. 2007; 43: 62-76.
 19. Weinstein CE, Palmer DR, Schulte AC. Learning and study strategies inventory. Clearwater, FL: *H & H Publishing Co*. 1987:1-95
 20. Weinstein CE, Palmer DR, Schulte AC. LASSI user manual. Clearwater, FL: *H & H Publishing Co*. 1987: 1-30.

Relationship between affective self-regulation and study skills with educational performance of students of Isfahan University of Medical Science

Mahin Karimi, Kiiumars Farahbakhsh

Abstract

Introduction: This study aimed to assess relationship between affective self-regulation and study skills with educational performance of students of Isfahan University of Medical Science.

Methods: 313 students who were selected randomly from the available male and female students in terms of 2-8, among the seven faculties answered the provided questionnaires. The instruments include three questionnaires: affective self-regulation questionnaire, the Weinstein' learning and study strategies inventory and educational performance questionnaire.

Results: The results showed that there is a significant relationship between affective self-regulation and study skills with educational performance of students. The results of analysis of regression can explain the %45/2 total average variance.

Affective regulation (0.365 percent) has the highest contribution in explaining the level of academic performance. There was significant relationship between component of study skills and affective self-regulation with educational performance. Subscales of independent variables could explain 53.8 percent of the variance in academic performance. In addition, there was significant relationship between component of study skills, affective self-regulation and educational performance with students' mean score. Regression analysis showed that through the variance of linear combination of sub-scales of independent variables can explained 45.2 percent of total average variance.

Conclusion: Improving and planning of students' study skills and increasing of emotional self-regulation are critical issues.

Key words: Affective self-regulation, study skills, educational performance

Addresses:

1. (✉) Msc, educational counseling, Allameh University, Tehran, Iran. Email: Karimi_20_M@yahoo.com
2. Assistant professor, department of educational management, school of psychology and educational sciences, Allameh University, Tehran, Iran. Email: Kiiumars@yahoo.com